

فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره شایا: 1735-739X

دوره ۱۴، شماره ۲ (پیاپی ۷۲)، زمستان ۱۴۰۱

Doi: 10.29252/PIAJ.2023.229989.1329

صفحات: ۱۱۱-۱۳۴

بسترهای تضاد و مقاومت گفتمان شیعی در عراق معاصر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹

رضا خراسانی*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱

محمدحسین مرزه**

چکیده

با دیدی تحلیلی به کنش‌های سیاسی و وقایع تاریخی عراق معاصر به‌وضوح می‌توان دید که گفتمان شیعی مهم‌ترین نیروی اجتماعی فعال در عرصه سیاسی عراق است که می‌تواند موقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را با تکیه بر اصول و اجزای گفتمانی خود به وجود آورد. مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه ضمن توصیف و تحلیل گفتمان امر سیاسی با هویتی شیعی، درصدد تحلیل این است که این گفتمان چگونه در دوره‌های مختلف با دال‌های مرکزی خاص آن دوره به معنا بخشی به مدلول‌ها یا دال‌های شناور پرداخته و این معنا دهی تبدیل به کنش‌های گفتمانی و اجتماعی شده است. همچنین مقاله در صدد پاسخ به این سؤال است که چگونه گفتمان سیاسی شیعی در عراق تمام کنش‌های گفتمان‌های رقیب و قدرت را شناسایی و در حد امکان در چارچوب نظام دانایی خود پاسخ می‌دهد. با توصیف شش دوره جامعه شناختی در عراق معاصر، ضمن ابضاح بسترهای تضاد و مقاومت و غیریت سازی، چگونگی معنادهی گفتمان شیعی به سایر مدلول‌ها تحلیل می‌گردد.

واژگان کلیدی: گفتمان، شیعه، عراق، استعمار، نولیبرالیسم.

* استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)، reza.khorasanie@gmail.com

** دکتری علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، mh.marze@gmail.com

مقدمه

بعد از ضعف و فروپاشی نظم خلافت اسلامی (عثمانی)، عراق که در آن زمان از سه ولایت موصل، بغداد و بصره تشکیل می‌شد، در سال ۱۹۱۴م به اشغال بریتانیا درآمد. این فضا باعث تحریک همه گفتمان‌های این ولایت‌ها برای تولید معنا و کنش گفتمانی و اجتماعی شد. مهم‌ترین گفتمان عراقی در آن زمان که دارای مرکزیتی با نام مرجعیت است و این نهاد گفتمانی بر اساس نظام دانایی و فقه سیاسی به‌طور مستمر آماده تولید دانش و کنش بود گفتمان شیعی است. گفتمان شیعی در فضای استعمار و در تضاد با گفتمان‌هایی که در کنار استعمارگران بودند به کنش‌هایی هم‌چون فتوای جهاد، آگاهی مردم از طریق بیانیه‌ها و خطبه‌ها در مناسبت‌های گوناگون مذهبی، دیپلماسی و نامه‌نگاری‌ها به نهادهای بین‌المللی گوناگون پرداخت که در نهایت منجر به تأسیس نخستین دولت با ساختار پادشاهی در چارچوب مرزهای امروزی بنام عراق شد.

این بار استعمارگر به‌صورت غیرمستقیم بر عراق مسلط شد، گفتمان شیعی با تحت نظر گرفتن کنش‌های بریتانیا و واسطه آن‌ها به کنشگری در مقابل موضوعاتی هم‌چون قانون اساسی، سیاست‌های مذهبی حکومت‌ها، ظلم، معاهدات غیرعادلانه، قیومیت عراق، سکولاریسم، بی‌عدالتی و... اقدام مناسب کرد. بعد از انقلاب ۱۹۵۸م، به‌موازات تسلط گفتمان کمونیست در ساحت‌های اقتصادی و سیاسی عراق، گفتمان شیعی در حال بازسازی خود برای ارائه‌ی مدل‌های لازم جهت به چالش کشیدن گفتمان غالب در حوزه‌ی اقتصادی و سیاسی برآمد و گفتمان نوپای کمونیستی را در کشمکش معارض طلبانه از تحقق و تسلط پایدار دور کرد. از طرفی بعد از به قدرت رسیدن گفتمان بعث، نظام حاکم با برجسته کردن مفاهیمی مانند پان‌عربیسم، شعارهای ضدامپریالیستی و ضدمذهبی نیز تلاش کرد تا به مقابله با گفتمان کهنه در سطوح اقتصادی و سیاسی بپردازد.

در شرایط نزاع آلود، با مداخله‌ی خارجی و سرنگونی حکومت بعث، عراق وارد مرحله‌ی تازه‌ای از درگیری‌های گفتمانی و هویتی شد. بعد از سال ۲۰۰۳ و با کنار زدن گفتمان حاکم، جامعه‌ی عراق وارد عرصه‌ای می‌گردد که برای مبارزه‌ی همه‌جانبه‌ی گفتمان‌هایی که هرکدام در سودای یکسان‌سازی جامعه بر اساس ارزش‌های خود هستند، راهی بیابد. در این برهه هویت لیبرالی و نولیبرالی حاکم شد. با توجه به مسائل بازگفته، مقاله تلاش می‌کند با روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه به توصیف گفتمان امر سیاسی با هویتی شیعی پرداخته و تحلیل

نماید که چگونه در دوره‌های مختلف با دال‌های مرکزی خاص آن دوره به معنا بخشی به مدلول‌ها یا دال‌های شناور می‌پردازد و همچنین این معنادهی چگونه تبدیل به کنش‌های گفتمانی و اجتماعی می‌شود. بدین سان مساله پژوهش این است که چگونه گفتمان سیاسی شیعی در عراق تمام کنش‌های گفتمان‌های رقیب و قدرت را شناسایی و در حد امکان در چارچوب نظام دانایی خود به آن‌ها پاسخ می‌دهد.

چارچوب مفهومی

گفتمان: مجموعه‌ای قاعده‌مند از گزاره‌هایی است که به صورت ساختارهای نامرئی و ناخودآگاه، در پس اندیشه‌های منفرد، تئوری‌ها و سخنان روزمره نهفته است و قواعد خود را بر اندیشه، فلسفه، علم، رفتارها و گفتارها تحمیل می‌کند؛ از نظر نظریه‌پردازان پسامردن غربی مانند لاکلاو و موفه، سوسور و فوکو صرفاً گفتمان‌ها به معنای داده‌ها و گزاره‌های زبانی نیست. به عنوان مثال، در گفتمان لیبرال دموکراسی، صندوق‌های رأی، رقابت‌های حزبی، رسانه‌های جمعی، کرسی‌های تدریس دانشگاهی و... همه پدیده‌هایی گفتمانی هستند. بر این اساس هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد. هیچ چیز به خودی خود دارای هویت نیست. اعمال، گفتار و پدیده‌ها زمانی معنادار و قابل فهم می‌شوند که در چارچوب گفتمانی خاص قرار بگیرند (سلطانی، ۱۳۸۷: ۲۶)

با توجه به مطالب فوق، مفهوم گفتمان از نظر لاکلاو و موفه را می‌توان این گونه تعریف کرد: ”یک گفتمان، تلاشی است برای تبدیل عناصر به وقته‌ها از طریق تقلیل چندگانگی معنایی‌شان به یک معنای کاملاً تثبیت شده.“ (Jorgensen, M & Phillips, L, 2002: 24). بر این اساس روش مقاله تحلیل گفتمانی از دیدگاه لاکلاو و موفه است که همه پدیده‌های اجتماعی را می‌توان با ابزارهای تحلیل گفتمانی تحلیل و بررسی کرد. در همین راستا، می‌توان به پنج مفهوم اصلی آن یعنی دال برتر (نقطه مرکزی)، مفصل‌بندی، غیریت‌سازی، عنصر و وقته و حوزه گفتمان‌گونه اشاره نمود که تلاش می‌شود گفتمان شیعی در عراق با توجه به این مفاهیم تحلیل شوند: در ادامه برای بررسی بسترهای تضاد و مقاومت گفتمان شیعی در عراق معاصر به تقسیم ادوار جامعه‌شناختی آن پرداخته تا بتوان دال مرکزی هر دوره را به طور دقیق شناسایی و تأثیر آن را بر جامعه و قدرت بررسی کرد.

اهمیت موضوع: برای شناخت واقعی کشور عراق نیاز به دیدگاهی وسیع، چندجانبه و

عمیق است تا بتواند جزئیاتی به ما نشان دهد که چگونه این کشور در مرحله‌ی گذار، بدون رعایت ترتیب، با میانبری از مراحل منطقی برای پذیرش مدرنیته و تجربه‌ی دموکراتیک جهش می‌کند. نکته قابل تأکید و اهمیت این است که کشور عراق بدون داشتن زیرساخت‌هایی برای پاسخ به مطالبه‌گری به‌ظاهر دموکراتیک به دنبال تحقق دموکراسی نیست. عراق در یک نظام دانایی متکثر شکل گرفته و پیوسته با کشمکش تمام‌ناشدنی، هویت جمعی پرشمار را پایدار نگاه می‌دارد. به‌عنوان نمونه از یک‌سو نظام دانایی حاکم بر مفهوم مقاومت او را در مقابل تجدد و اقتضائات مدرنیته قرار می‌دهد و از سوی دیگر دسترسی به فناوری‌های نوظهور، او را نسبت به شرایط یک جامعه‌ای بانظم بوروکراتیک مطالبه‌گر جلوه می‌دهد. لازمه‌ی پاسخ به این مطالبه‌گری، پذیرش حضور مؤثر عقل مدرن در نظام دانایی است. از این‌رو تحلیل گفتمانی و شیوه‌های جدید تحلیل سیاسی اهمیت بسزایی دارد.

ادوار جامعه‌شناختی گفتمان شیعی در عراق معاصر:

ظهور گفتمان سیاسی اسلامی شیعی در عراق و کنش اجتماعی به‌خصوص در سطح سیاسی آن را می‌توان به بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی در ۱۹۱۴ م دانست به این معنی که در ۱۹۱۴ م موضع‌گیری ترکیه عثمانی بر ضد بریتانیا در جنگ جهانی اول آشکار شده بود و بریتانیا برای تأمین نفت و پیشگیری از نفوذ فرانسه در هلال ابوالخصیب (از سواحل سوری- لبنانی تا موصل به مرز ایران) تصمیم به اشغال عراق گرفت. بریتانیا در ۱۹۱۴/۱۱/۶ دستور حمله به بصره را اعلام کرد و طی چند ساعت پرچم بریتانیا جایگزین پرچم عثمانی در فاو شد (النفیسی، ۲۰۱۱: ۶۹). از اینجا بود که گفتمان سیاسی شیعی در عراق به ترتیب زیر شروع به ظهور از طریق کنش‌های متفاوت در دوره‌های اجتماعی متفاوت به ترتیب زیر شد.

دوره اول تضاد و مقاومت: گفتمان سیاسی شیعی، ۱۹۱۴-۱۹۲۱:

این دوره از گفتمان سیاسی شیعی در عراق همراه با فضای جنگ جهانی اول و افول خلافت اسلامی عثمانی‌ها در منطقه بود بر این اساس گفتمان شیعی باید بر اساس منظومه دانایی شیعی در این فضای خاص به تولید معنا و تولید دانش یا به عبارتی دیگر کنش گفتمانی و بر این اساس جامعه به کنش اجتماعی سیاسی می‌پرداخت. این دوره با جهاد سازمان‌دهی شده و با فتوایی که مرجعیت صادر می‌کرد، از شهرهای مقدس شروع و کنش‌های زیر رقم خورد:

۱. حرکت جهادی کاظمین که به رهبری سید مهدی حیدری (الوردی، ۱۹۹۲: ۱۳۱) و شیخ مهدی خالصی برای جنگ با کفار بود و در ۱۹۱۴/۱۱/۳۰ برای جنگ با انگلیسی‌ها از کاظمین به سوی بصره راه افتاده و در ۱۹۱۵/۱/۲۰ در منطقه روطه بصره با ارتش بریتانیا به جنگ پرداختند (الحسینی، ۱۳۸۶: ۳۳).

۲. حرکت جهادی نجف به رهبری سید محمد سعید حبوبی که در ۱۹۱۴/۱۱/۲۶ فتوای جهاد خود علیه بریتانیا را اعلام کرد و به آماده‌سازی و توزیع نقش و سازمان‌دهی نیروهای خود پرداخت که از مهم‌ترین چهره‌هایی که او را همراهی می‌کردند سید محسن حکیم، محمدرضا شبیبی و علی الشرقی بودند (الخاقانی، ۱۹۵۴: ۱۴۹) و در ۱۹۱۵/۴/۱۲ به همراه هزاران نیرو در منطقه شعبیه بصره شروع شد (الوردی، ۱۹۹۲: ۱۴۵).

۳. تشکیل احزاب و سازمان‌های سری که بعداً در انقلاب ۱۹۲۱ نقش مهمی را ایفا کردند. از مهم‌ترین آن‌ها:

ا) جمعیت نهضت اسلامی (جمعیه النهضه الاسلامیه) که در سال ۱۹۱۷ در نجف اشرف تأسیس شد و مؤسسین این حزب شیخ محمدجواد جزایری و سید محمدعلی بحر العلوم بودند (خیون، ۲۰۱۳: ۱۴۷-۱۴۸).

ب) حزب سزّی نجف (الحزب النجفی السری): بعد از شکست انقلاب نجف سال ۱۹۱۸ این حزب از سوی مؤسسین حزب سری نجف شیخ محمدجواد جزایری، شیخ رضا شبیبی، شیخ محمدباقر شبیبی، شیخ حسین حلی، شیخ عبدالحسین مطر، مجموعه زیادی از رؤسای عشایر و با اذن و مبارکت مرجع بزرگ وقت میرزایی شیرازی تأسیس شد و هدفش آماده‌سازی برای انقلاب بزرگ‌تر بود (الشامی، ۱۹۹۲: ۹۸).

ج) حزب جمعیت اسلامی در کربلا ۱۹۱۹م: این حزب با دستور میرزا محمدتقی شیرازی و به دست پسر او شیخ محمدرضا شیرازی تأسیس شد (خیون، ۲۰۱۳: ۷۵-۷۶).

د) حزب سری کاظمین ۱۹۱۸م: این حزب سری به دست ابوالقاسم کاشانی و با حمایت شیخ الشریعه اصفهانی تأسیس شد (خیون، ۲۰۱۳: ۱۲۹).

موضع گفتمان شیعی از فراندومی که بریتانیا برای شکل حکومت در عراق در سال ۱۹۱۹ گذاشت تأسیس یک دولت عربی ملی اسلامی بود که در مخالفت با نظر بریتانیا به منظور تسلط کامل بر حکومت عراق به‌طور مستقیم در آن سال‌ها بود (الوهاب، ۱۹۳۵: ۳۵).

همچنین از جمله کنش‌های سیاسی، نامه‌نگاری مرجعیت وقت در عراق به سفیر آمریکا

در تهران و بعد از آن به رئیس جمهور آمریکا ویلسون برای رفع مظلومیت از ملت عراق در سال ۱۹۱۹ و دیدار یک هیئت عالی رتبه عراقی با ویلسون است (الوردی، ۱۹۹۲: ج ۵، ص ۱۰۵)؛ و نامه نگاری با الشریف حسین در عربستان و ابلاغ او به اختیار یکی از فرزندان او برای حکم در عراق بود (همان).

همچنین نامه نگاری او با امیر فیصل در سوریه و تأکید بر تأسیس الجامعه العربیه به عنوان جوهر شکوه اسلامی بود (نظمی، ۱۹۸۵: ۳۵۱). اضافه بر این هماهنگی با جنبش های ملی گرا و استقلال طلب و همچنین قوم گرایان عربی و روسای عشایر عراق بود (ال فرعون، ۱۹۷۴: ۹۲). در نهایت در سال ۳۰/حزیران/۱۹۲۰ انقلاب مشهور ثوره العشرین عراق شروع شد (الفاض، ۱۹۷۴: ۲۹۱-۲۹۹) و با فتوای شیخ محمدتقی شیرازی شعله ور شد (الوردی: ج ۵، ص ۲۳۵) و به وسیله شیخ الشریعه ادامه پیدا کرد و در ۲۰/تشرین الثانی/۱۹۲۰ به پایان رسید (البصیر، ۱۹۴۹: ۳۲۰).

غیرت سازی نسبت به اشغال گری بریتانیا

اولین مرحله غیرت سازی گفتمان شیعی در عراق را می توان هم زمان با آغاز فعالیت این گفتمان در اواخر دهه دوم قرن بیستم دانست. این غیرت در کنار گفتمان ناسیونالیسم در تضاد با استعمارگری بریتانیا به منطقه عراق (که متشکل از سه استان عثمانی بود) از طریق مفاهیمی هم چون جهاد، اعتراضات عشیره ای ارسال بیانیه ها و انقلاب نشانه شناسی می شود. در این متن، موجودیت عراق به مثابه یک واحد سیاسی جدید در منطقه خاورمیانه خلق شد. مقاومت گفتمان شیعی و غیرت سازی در نظم جدید همراه با گفتمان ناسیونالیسم عراقی در مقابل گفتمان ناسیونالیست عربی و گفتمان سنی و البته استعمارگری وارد فاز جدیدی شد. بدین سان به نظر می رسد گفتمان شیعی در این دوره با هدایت عالمان و مراجع دینی در چارچوب نظام دانایی شیعی، کانون مقاومت اصلی را در برابر بریتانیا و سایر خرده گفتمان های موجود در عراق بوده است.

دوره دوم تضاد و مقاومت: گفتمان سیاسی شیعی (۱۹۲۱-۱۹۴۲م)

دوره دوم گفتمان شیعی را می توان پس از شکست و سرکوب انقلاب ۱۹۲۰ دید، یعنی زمانی که انقلاب مذکور بریتانیا را مجبور به تغییر سیاست خود از استعمار مستقیم عراق به تشکیل

حکومتی ملی تحت قیمومیت بریتانیا کرد. به همین منظور بریتانیا در کنگره قاهره که با حضور چرچیل در ۱۱ مارس ۱۹۲۱ تشکیل شد تصمیم خود را مبنی بر ایجاد حکومت سلطنتی در عراق به پادشاهی فیصل بن حسین را اعلام کرد. سپس مجلس مؤسسان را از چهره‌های معروف بغداد و عراق برای مقدمه‌چینی و آماده‌سازی زمینه سیاسی اجتماعی عراق برای این موضوع تأسیس کرد.

بعد از رأی‌گیری عمومی و با ۹۶٪ موافقت مردم با سلطنت فیصل در یازدهم ژانویه ۱۹۲۱، مجلس مؤسسان نخست‌وزیری عبدالرحمن گیلانی سلطنت فیصل را مشروط بر آنکه بر مبنای قانون اساسی زیر نظر نمایندگان مردم و به شیوه اداره دموکراتیک، تأیید کرد. فیصل در ۲۷ اوت ۱۹۲۱ به‌عنوان نخستین شاه عراق و اولین دولت مدرن عراق منصوب گردید (دیب، ۲۰۱۳: ۴۲-۴۳). در ادامه به این مولود جدید که گفتمان شیعی زحمات زیادی برای آن کشیده بود تا از استعمار مستقیم و انحصار در حکومت و قدرت بیرون آید واضح گردد به اختصار پرداخته می‌شود:

اول: تلاش مداوم نخبگان گفتمان شیعی در ارزیابی‌های ملک فیصل اول نسبت به روش تعامل با بریتانیا و انتخاب مجلس تأسیسی عراق (الوردی، ۱۹۹۲: ۲۲۶-۲۳۰).

دوم: ایجاد فشار بر پادشاه برای مجوز تأسیس احزاب اپوزسیون که در سال ۱۹۲۲ م این اجازه داده شد و دو حزب النهضه عراقی و حزب وطنی عراقی تأسیس شد (همان: ۲۳۱). سوم: تلاش گفتمان شیعی برای امتناع از برقراری و تصویب عراق بر عهدنامه با بریتانیا در سال ۱۹۲۲ م قیمومیت بریتانیا از طریق کنش‌های متفاوت کنش‌گران مؤثر این گفتمان (البصیر، ۱۹۴۹: ۲۶۹).

چهارم: تلاش برای جلوگیری از تصویب قرارداد نفت عراق و بریتانیا در سال ۱۹۲۵ که اخیر در دست داشتن تصمیم واگذاری موصل به ترکیه نیت داشت که به حکومت ملی فشار وارد کند (جمیل، ۱۹۸۷: ۱۱۳-۱۷۶).

پنجم: تلاش نخبگان و کنش‌گران این گفتمان در سال ۱۹۳۰ م برای جلوگیری از امضای قرارداد تعدیل شده بریتانیا و عراق که قبلاً در سال ۱۹۲۲ م امضا شده بود (کبه، ۱۹۶۵: ۳۶-۴۵). ششم: تلاش‌های نخبگان و مؤسسات شیعی برای جلوگیری از به وجود آمدن فضای فرقه‌ای در سطح مردمی و نفی سبک نوشتاری یا گفتاری توهین‌آمیز به مذاهب دیگر (الحسنی، ۱۹۴۸: ۱۳۷).

هفتم: منشور ملت که بر ضد حکومت فرقه‌گرای یاسین الهاشمی نخست‌وزیر وقت اعلام شد کنشی مهم از گفتمان شیعی بود. این منشور که با محوریت مرجعیت نجف نوشته شد دارای مقدمه و ۱۲ ماده اصلی است (همان: ۹۸-۹۹).

بر این اساس در این دوره نیز شاهد مقاومت‌هایی از جانب گفتمان شیعی هستیم که علاوه بر مرجعیت شیعه، نخبگان و سایر گروه‌های شیعی نیز به مقاومت پرداخته و سطح کنشگری گفتمان شیعی و مقاومت را توسعه داد. در این فضا، غیریت‌سازی با استعمار بریتانیا تداوم داشت.

دوره سوم تضاد و مقاومت: گفتمان سیاسی شیعی (۱۹۴۲-۱۹۶۷م)

شروع این دوره از گفتمان سیاسی شیعی در عراق را می‌توان بعد از سال ۱۹۴۰ دانست. در این زمان اندیشه‌های چپ سکولار و لیبرال سرمایه‌داری و ملی‌گرایی در بین شیعیان عراق نفوذ کرده و بخصوص احزاب چپ به یارگیری از میان شیعیان، به‌ویژه جوانان پرداخته بودند. این در حالی بود که گفتمان سیاسی شیعی بیشتر وقت خود را صرف مبارزه مستقیم با استعمار سپس بازسازی، ترمیم این گفتمان پس از انقلاب ۱۹۲۰م و نظارت و ارزیابی تقریباً ۲۱ حکومت یا وزارت تحت قیمومیت (بعد از قیمومیت بریتانیا) کرد.

از عوامل دیگری که حرکت اجتماعی گفتمان شیعی در عراق را دچار رکود کرد، مخالفت شدید مراجع با استعمار و مداخله بریتانیا و اعلام حمایت آنان از استقلال کشور و جنبش‌های ضد بریتانیا بود. به همین دلیل، کنش‌های سیاسی اجتماعی این گفتمان به‌طور سخت‌گیرانه‌ای زیر نظر بریتانیایی‌ها قرار گرفت (شیر، ۲۰۱۰: ۴۶). بسیاری از مراجع از جمله سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ نائینی و شیخ جواد خالصی و دو فرزند او بعلاوه ۳۰ اندیشمند شیعی به ایران و حجاز تبعید شدند و با شرط امضای تعهدنامه با پادشاه عراق (فیصل اول) و با مضمون عدم دخالت در سیاست به عراق بازگشتند (الرهیمی، ۱۹۸۸: ۷۸). این امر ورشد احزاب سکولار و چپ باعث شد که نخبگان اسلامی به هر شکلی به تأسیس سازمان‌ها و احزاب اسلامی فکر کنند تا اینکه در سال ۱۹۴۰م این تفکر به نتیجه رسید و احزاب و سازمان‌های اسلامی با تفکر و هدف رویاروی با گفتمان‌های دیگری تأسیس شوند. مهم‌ترین این سازمان‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: (۱) سازمان جوانان مسلم ۱۹۴۰م در نجف به دست عزالدین جزایری تأسیس شد (خیون، ۲۰۱۳: ۳۹).

- ۲) جماعت علما که در اواخر دهه ۵۰ م به دست روحانیونی هم چون سید محمدباقر صدر و با حمایت سید محسن حکیم تأسیس شد (زبیدی، ۲۰۰۷: ۲۰۷).
- ۳) حزب جعفری ۱۹۵۲ م به دست هیئت مؤسس متشکل از عبدالصاحب دخیل، صادق قاموسی و حسن شبر تأسیس شد (فائق، ۲۰۰۱: ۱۴۱).
- ۴) سازمان مسلمین عقایدی در سال ۱۹۵۴ م به دست عزالدین جزایری تأسیس شد (الخرسان، ۲۰۰۰: ۲۱).
- ۵) جوانان عقیده وایمان در سال ۱۹۵۷ م به دست سید محمدعلی مرعبی تأسیس شد.
- ۶) حزب الدعوة اسلامی که یکی از مهم‌ترین احزاب سیاسی اسلامی و کنش‌گران گفتمان شیعی در سال ۱۹۵۷ به دست هیئت مؤسسی متشکل از سید محمدباقر صدر، سید محمد مهدی حکیم، سید طالب رفاعی، صادق قاموسی، سید مرتضی عسکری، عبدالصاحب دخیل، محمد صالح ادیب پایه‌گذاری شد (المؤمن، ۲۰۰۴: ۳۵).
- ۷) جنبش الرسالیه؛ جماعتی از شیعیان تحت اشراف سید مهدی شیرازی در سال ۱۹۶۷ این جنبش را تأسیس کردند (ابراهیم، ۱۹۸۷: ۳۸۵).
- تشکیل سازمان‌ها برای ارتباط و چالش منظم با گفتمان‌های دیگر به این معنی نبود که گفتمان شیعی در عراق گفتمان قدرت را در این زمان به حال خود رها کرده و فقط به دنبال کنش گفتمانی فکری پرداخته، بلکه به این معنی است که اولویت خود را به نظم بخشیدن به خود گذاشت و در اشغال دوم بریتانیا از سال ۱۹۴۱ م که با کودتای نظامیان ارتش عراق شروع شد نقش بسزایی داشت. بنابراین مهم در این زمان هژمون نگه‌داشتن گفتمان شیعی در سطح جامعه بود.

غیریت‌سازی با گفتمان چپ:

در این مرحله غیریت‌سازی شیعی در عراق را می‌توان در دهه ۱۹۴۰ دید؛ یعنی زمانی که اندیشه‌های چپ در بین شیعیان و مردم عادی عراق نفوذ کرده و احزاب چپ و ناسیونالیسم عربی به یارگیری از میان شیعیان، به‌ویژه جوانان، مشغول بودند. شروع این غیریت‌سازی را می‌توان با پایه‌گذاری سازمان‌ها «جماعه‌العلماء» و پس‌از آن «حزب الدعوة» هم‌زمان دانست. (زبیدی، ۲۰۰۷: ۲۱۵).

شهید صدر نیز در آثار خود، کاستی‌های نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی را به‌عنوان «دیگری» نمایان ساخت و استدلال‌هایی منطقی مبنی بر برتری «خود» اسلام بر

دیگر ایدئولوژی‌های رایج ارائه داد. چاپ و نشر دو کتاب وی به نام‌های فلسفتنا و اقتصادنا، از برجسته‌ترین فعالیت‌های فکری جماعه‌العلماء به شمار می‌آید.

نخستین صحنه رویارویی حزب، با جریان فرهنگی کمونیسم در زمان حکومت عبدالکریم قاسم (۱۹۵۸ به بعد) و پس از آن، ملی‌گرایی بود، در حکومت قاسم، کمونیست‌ها به بالاترین حد آزادی در فعالیت رسیدند و با دستیابی به بخش‌هایی از دولت توانستند جمعی از جوانان را به خود جذب کنند و موجی از فعالیت‌های تخریبی در برابر اسلام به راه اندازند. از این رو، الدعوه در چنین شرایطی کوشید تا کار فرهنگی و تربیتی در مبارزه با کمونیسم را پیگیری کند. در این راستا، علما با توجه به عامل اساسی محبوبیت کمونیسم در بین عراقی‌ها، یعنی اندیشه عدالت اجتماعی، درصدد تبیین این مفهوم از دیدگاه اسلام برآمدند.

با به قدرت رسیدن عبدالسلام عارف در سال ۱۹۶۳ و فراهم آمدن فضایی نسبتاً آزاد برای فعالیت گفتمان شیعی، حزب الدعوه در این مرحله، رسیدگی به امور شیعیان و نیازهای آنان، همچنین کاهش تبعیض‌های سیاسی و اجتماعی در اولویت قرار گرفت. در هر حال مبارزه و غیریت‌سازی نسبت به تفکرات کمونیستی را می‌توان دال مرکزی گفتمان شیعی در این مرحله دانست.

بر این اساس می‌توان گفت کنش‌های سیاسی گفتمان شیعی در این دوره هم در تضاد با کشورهای استعمارگر هم چون بریتانیا و هم در تضاد با احزاب سیاسی سکولار اعم از لیبرال و بویژه چپ تکوین یافت. در این فضا، مقاومت شکل گرفت و تلاش کرد در قالب احزاب و جنبش‌های سیاسی اسلام‌گرا به مقاومت بپردازند، هم از این رو بود که عنصر سازماندهی اهمیت یافت.

دوره چهارم تضاد و مقاومت: گفتمان سیاسی شیعی (۱۹۶۷-۱۹۹۱م)

با قدرت یافتن حزب بعث و در دست گرفتن حکومت در عراق در سال ۱۹۶۸ مرحله جدیدی در تاریخ گفتمان سیاسی شیعی در عراق، به‌ویژه برای مهم‌ترین کنشگر این گفتمان یعنی حزب الدعوه اسلامی آغاز شد. مرحله‌ای که با ممنوع کردن احیای مراسم و ذکر اهل بیت و هجرت اجباری ایرانیان ساکن در عراق شروع و با قلع و قمع حزب الدعوه اسلامی و اعدام رهبران و اعضای این حزب ادامه یافت تا اینکه گفتمان سیاسی شیعی را وادار به رادیکال شدن کرد.

این فشارهای سخت امنیتی که از سال ۱۹۶۸ شروع شده بود اما در سال ۱۹۷۷م به مرحله

رادیکالیزه شدن آن رسید یعنی دقیقاً با شروع انتفاضه ماه صفر که دستور منع پیاده روی اربعینی امام حسین را صادر کرد (المؤمن، ۲۰۰۴: ۱۶۶). وقوع انتفاضه رجب که در سال ۱۹۷۹م و پس از انقلاب اسلامی عراق رخ داد این مرحله را به اوج خود رساند (همان: ۲۱۰-۲۱۲). این تحول، موجب اعدام شهید صدر و خواهرش بنت الهدی و برخی دیگر از رهبران و اعضای حزب الدعوه و علمای دین در نجف و کاظمین و کربلا و بغداد شد. (همان: ۲۵۲-۲۵۶) در پی این امر، بسیاری از رهبران شیعی از عراق خارج شدند و به مبارزه با گفتمان حزب بعث در تبعید پرداختند. تشکیل مجلس اعلاى انقلاب اسلامی و سپاه بدر و حزب عمل اسلامی یکی از این شیوه‌ها بود.

در سال ۱۹۸۰ گفتمان شیعی مخالفت رسمی جدیدی را آغاز کرد. حرکت رادیکال آن‌ها نگرانی‌هایی را در دولت ایجاد کرد. از همه مهم‌تر و پدیده‌تر تظاهرات شیعیان و شورش‌های پنجم و ششم فوریه ۱۹۷۷ در کربلا و نجف بود این انقلاب‌ها با ادعاهای دولت مبنی بر اینکه فردی سوری را پیدا کرده‌اند که مواد منفجره را به داخل حرم کربلا حمل می‌کرد شدت یافت. این شهر از آن به بعد بر روی رفت‌وآمد زوآر در بزرگداشت مناسبت‌های مذهبی بسته شد.

این انقلاب‌ها به‌مواجهه توده مردم با پلیس و چندین کشته منجر شد. این اعتراض‌ها به مناسبت منع پیاده‌روی اربعین امام حسین به نجف سرایت کرد و به مدت چند روز ادامه یافت تا این که توسط نیروهای نظامی سرکوب شد تعدادی از معترضان دستگیر محاکمه و محکوم و اعدام شدند که به انتفاضه صفر شهرت دارد. با انقلاب اسلامی در ایران و استقرار حکومت شیعی آیت‌الله روح‌الله خمینی، جدی‌ترین مخالفان گفتمان شیعی به وجود آمدند. ترس از اپوزسیون گفتمان شیعی سازمان‌یافته و ترس از تلاش ایران در جهت سرنگونی رژیم عراق یک عامل کمک‌کننده بسیار مهمی در جنگ عراق و ایران در سال ۱۹۸۰ بود.

گفتمان شیعی دوباره در ژوئن سال ۱۹۷۹ که آشوب‌های جدیدی در نجف و کربلا آغاز شد ظاهر شد این بار آیت‌الله محمدباقر صدر که می‌خواست یک گروه اعزامی به ایران را برای عرض تبریک به آیت‌الله خمینی رهبری کند ولی دولت مانع شد این جرعه را ایجاد کرد. بار دیگر چندین روز آشوب بود و مجبور شدند ارتش را فرا بخوانند. در همان موقع حکومت، حزب شیعی مخفی الدعوه را کشف کرد که آشکارا مصمم به سرنگونی حکومت بود و از سوی ایران حمایت می‌شد. حزب الدعوه فوراً از سوی دولت سرکوب شد اما گروه‌های متعدد شیعی مخالف در خارج عراق تشکیل شد که تمام آن‌ها هدفشان سرنگونی حکومت حزب بعث بود.

آیت الله صدر که به عنوان رهبر الدعوه مشهور بود دستگیر و بعداً اعدام شد. اپوزسیون گفتمان شیعی در نجف و کربلا از دیگر شهرهای جنوبی آشکارتر و مشخص تر بود. اگرچه گفتمان گرد گروه مخالف فعال تری برای قدرت بودند اما مخالفت گفتمان شیعه حکومت را بیشتر نگران می کرد. گروه های گوناگون گفتمان شیعی از جمله الدعوه فعالیت پنهانی خود را در طول جنگ به رغم آزار و اذیت شدید توسط سلطه ادامه می دادند. عضویت در این گروه ها مجازات مرگ داشت سرنوشتی که ۶۰۰ نفر از اعضای آن ها در سال ۱۹۸۴ به آن دچار شدند، برخی از این اذیت و آزارهای مهم توجه مردم را به انقلاب این گفتمان جلب کرد. در این میان تهران ابتکار را به دست گرفتند و یک گروه جدید را که توسط خانواده حکیم رهبری می شد بنیاد نهادند. در پاییز، ۱۹۸۲، آن ها مجلس اعلائی انقلاب اسلامی عراق را تشکیل دادند که توسط محمدباقر حکیم رهبری می شد و ستاد مرکزی آن در تهران بود. در ۱۹۸۳ بعد از این که مجلس اعلائی تصمیم به مشروعیت بخشیدن به خود به عنوان یک سازمان در تبعید، گرفت رژیم بعث حدود هشتاد عضو این خانواده را که هنوز در عراق بودند دستگیر کرد و در مه ۱۹۸۳ شش تن از آنان را اعدام کرد که هر شش تن از رهبران شیعی مذهب و دارای شهرت زیاد بودند و این به عنوان زنگ خطری برای بقیه خانواده بود. صدام حسین یک ماه قبل از این سعی کرد تا از ترس رهبران دیگر گفتمان شیعی عراق با دعوت آن ها به اجلاسی پیرامون اسلام بکاهد. اگرچه بیشتر آن رهبران آمدند اما رهبر بزرگ شیعه یعنی آیت الله خوبی که رهبر اعلائی اجتماعی این گفتمان در عراق بود، نیامد.

صدام به سرکوب های شدید از جمله زندانی و اعدام کردن اعضای سازمان های مخفی و خانواده های آنان نظارت شدیدتر بر مساجد قهوه خانه ها، اماکن عمومی در نجف کربلا و سایر شهرهای مقدس را با سرمایه گذاری عمومی خیریه در پروژه های خانه سازی بیمارستانی زمین های بازی کارهای آب و فاضل آب برق و حتی توسعه و تزیین مساجد در چنین شهرهایی در هم آمیخت. در همین حال، با تأکید بر ناسیونالیسم عربی هویت عربی گفتمان شیعی عراق را به آنان متذکر شد و در مورد تنفر قدیمی ایشان و ترس آن ها از تسلط ایرانیان ایفای نقش کرد.

غیریت سازی نسبت به حزب بعث:

با قدرت یافتن حزب بعث در سال ۱۹۶۸، مرحله جدیدی در تاریخ گفتمان شیعی، به ویژه حزب الدعوه آغاز شد. مرحله ای که با دستگیری، طرد و اعدام رهبران این حزب همراه بود. دو

دلیل اصلی ضدیت و غیریت‌سازی گفتمان شیعی عبارت بودند از:

۱. ازدیاد فشار و خشونت بعثی‌ها بر جنبش شیعی.

۲. به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی ایران.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بازوهای تشکیلاتی الدعوه در دانشگاه‌ها فعال شدند و مرحله‌ای جدید در حیات سیاسی این حزب آغاز گردید. پس از انقلاب، بعثی‌ها که از خطر تأثیر آن بر مردم عراق آگاه بودند و می‌دانستند که حزب الدعوه می‌تواند عامل تشکیلاتی مهمی برای انتقال این تأثیر باشد، هجوم گسترده‌ای را بر این حزب آغاز کرده، بسیاری از اعضای آن را دستگیر نمودند. آیت‌الله صدر، پس از انقلاب اسلامی ایران با امام خمینی & بیعت کرد.

با شهادت آیت‌الله صدر، حزب الدعوه پشتوانه فکری و سیاسی بزرگی را از دست داد و بسیاری از رهبران و کادر اصلی حزب، به ایران و دیگر کشورها مهاجرت کردند تا برای مبارزه مسلحانه با حکومت آماده شوند. اینان در قالب جنگ‌های نامنظم، ضربه‌های سهمگینی را بر پیکر حکومت بعث وارد آوردند. با وجود نقاط مثبت و برجسته فراوان در گفتمان شیعی، یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف گفتمان گونگی این گفتمان، عدم اعتقاد به کار بر روی نظامیان و نفوذ در ارتش بود (خرمشاد و نادری، ۱۳۹۰: ۱۹۶).

با توجه به تحولات فوق می‌توان گفت تضاد و مقاومت گفتمان شیعی در این برهه تاریخی عمدتاً بین حزب بعث با حزب الدعوه بوده است. هرچند برخی از گروه‌های دیگر هم چون گروه‌های کردی نیز فعال بودند، اما رقیب عمده با توجه به بافت جمعیتی گفتمان شیعی بود. از این رو کنش‌های سیاسی بین حزب بعث با گروه‌های شیعی بویژه حزب الدعوه بوده است.

دوره پنجم تضاد و مقاومت: گفتمان سیاسی شیعی (۱۹۹۱-۲۰۰۳م)

همان‌طور که در دوره قبل گفتمان سیاسی شیعی ذکر شد فشارهای امنیتی و قلع‌وقمع این گفتمان بعد از انقلاب اسلامی ایران شدت بسیار یافت و در دوره جنگ ایران و عراق بیشتر شد. این شرایط در سال ۱۹۹۱ به اوج خود رسید، یعنی پس از حمله عراق به کویت که بلافاصله پس از بیرون راندن ارتش عراق از کویت به دست ایالات متحده آمریکا نظام بعث صدام با یک انقلاب مردمی در استان‌های مختلف روبه‌رو شد. این استان‌ها از ۱ مارس تا ۱۵ آوریل ۱۹۹۱ به دست انقلابیون افتادند.

بعد از اینکه گفتمان بعث بعد از ۵ آوریل قدرت را بازگرداند و بر این استان‌ها تسلط یافت، به‌شدت مردم این شهرها را سرکوب و آن‌ها را در قبرهای دست‌جمعی دفن کرد و به زن، بچه، پیر و جوان رحمی نکرد (مجموعه پژوهشگران، ۲۰۱۰: ۲۲۶-۲۳۵).

گفتمان شیعی و انقلاب ۱۹۹۱: انتفاضه شعبانیه عراق قیام مردم عراق علیه حکومت صدام حسین در شعبان ۱۴۱۱ ق بود. قیام از بصره شروع شد و معترضان در مدت ۱۵ روز چهارده استان از هجده استان عراق را تصرف کردند. در واکنش حزب بعث عراق، ده‌ها هزار نفر کشته و حدود دو میلیون نفر آواره شدند. تعدادی از روحانیون دستگیر یا اعدام شدند و شماری نیز از عراق فرار کردند. همچنین در واکنش حزب بعث حرم امام علی * و حرم امام حسین (ع) آسیب دید و حکومت عراق بسیاری از مدارس دینی، مساجد و حسینیه‌ها را تخریب کرد. نارضایتی مردم، نابودی و آسیب دیدن زیرساخت‌های اقتصادی و رفاهی عراق در جنگ با کویت و ایران، از عوامل قیام مردم عراق علیه صدام حسین بوده است.

آیت‌الله خویی در ۱۸ شعبان دو روز پس از آغاز قیام در نجف بیانیه‌ای صادر کرد و در آن به رعایت احکام شرعی، دوری از اموال مردم و بیت‌المال، دفن اجساد که در خیابان‌ها مانده، مثله نکردن و اموری مانند آن، حکم کرد. دو روز پس از آن آیت‌الله خویی بیانیه دیگری صادر کرده و در آن ۹ نفر از روحانیون را برای رسیدگی به امور منصوب کرد^۱، در پی صدور بیانیه برخی از این افراد برای رسیدگی به امور، به شهرهای مختلف رفتند. سید عبدالاعلی سبزواری از علمای بزرگ نجف نیز با صدور فتوایی حمایت خویش از انتفاضه را اعلام نمود.

باید توجه داشت که رویکرد آمریکا، قبل از وقوع قیام مردمی، سرنگونی رژیم صدام بود، همان‌طور که واشنگتن از هرگونه احیای احتمالی مردمی حمایت می‌کرد. در جریان سرکوب شیعیان در قیام ۱۵ شعبان نه‌تنها هیچ حرکتی نکرد، بلکه رسانه‌های آن در آن زمان همه اخبار سرکوب قیام را مسکوت و فیلتر می‌کردند. قدرت‌های غربی از ظهور یک حکومت بر اساس گفتمان شیعی در عراق هراس داشتند و آن را خطرناک‌تر از ماجراجویی‌های دیوانه‌وار صدام حسین می‌دانستند. بر این اساس به حکومت صدام کمک می‌کردند و بازسازی ارتش صدام را در رأس فهرست اقدامات خود قرار دادند و به او چراغ سبز دادند تا قطعنامه ۶۷۰ شورای

۱ عبارت بودند از: سید محمدرضا موسوی خلخالی؛ سید جعفر بحرالعلوم؛ سید عزالدین بحرالعلوم؛ سید محمد سبزواری فرزند آیت‌الله سبزواری؛ شیخ محمدرضا شیب ساعدی؛ سید محمد صالح سید عبدالرسول خرسان؛ محمدتقی خوئی فرزند آیت‌الله خویی؛ سید محمدرضا خرسان؛ سید محی‌الدین غریفی.

امنیت را تصویب کند. بالگردهایش در مناطق پرواز ممنوع پرواز کنند و معترضان را در آنجا سرکوب کند؛ و به کشتار حدود سیصد هزار نفر از مردم و آواره شدن حدود دو میلیون عراقی در داخل و خارج از کشور انجامید (تبرائیان، ۱۳۹۱: ۸۰).

تداوم غیریت‌سازی با حزب بعث

از این به بعد هسته اصلی گفتمان تشیع و نه فقط کنشگران مورد هدف قرار گرفت. یعنی حوزه‌های علمیه و مرجعیت، متدینین و خیلی موضوعات دیگر تحت نظارت دقیق حکومت بعث قرار گرفتند و همه کنش‌هایی که در عراق اتفاق می‌افتاد، یعنی به‌جز کنش‌های اپوزیسیون مقیم در خارج از عراق، هدف حفظ هسته اصلی تشیع در عراق بود حتی حرکت محمدصادق صدر. بدین سان سطح کنشگری سیاسی در این دوره از احزاب و گروه‌های شیعه به سطح جامعه و مردم کوچه و بازار کشیده شده و تا حد یک انقلاب نزدیک به پیروزی پیش رفت. از این رو تضاد و مقاومت از سطح احزاب شیعی به جامعه شیعی با حاکمیت حزب بعث کشیده شد.

دوره ششم تضاد و مقاومت: گفتمان سیاسی شیعی ۲۰۰۳-۲۰۲۱م از گفتمان مقاومت تا گفتمان قدرت

با کنار گذاشتن گفتمان قدرت (حزب بعث) به‌وسیله ایالات متحده آمریکا و انحلال تمام مؤسسات امنیتی و اداری کشور، به‌طور ویژه گفتمان سیاسی شیعی به‌عنوان گفتمان هژمون در سطح جامعه باید بار سنگینی را متحمل شد. در این حین، نهاد مرجعیت مهم‌ترین موسسه موجود در عراق در طول تاریخ این گفتمان که مورد اعتماد همه کنش‌گران و قاعده اجتماعی گفتمان شیعی است؛ بیشترین کنش‌گری و هجمه‌ها را داشت.

مرجعیت برای حفظ منابع و مدیریت وضعیت، ابتدا برای انسجام و اتحاد در گفتمان شیعی و مرجعیت در نجف اشرف، هیئت چهارگانه‌ای متشکل از چهار مرجع بزرگ شیعیان عراق یعنی سید سعید حکیم، شیخ بشیر نجفی، شیخ اسحاق فیاض و سید علی سیستانی را ایجاد کرد. این هیئت چهارگانه هیچ‌گاه تصمیمی خارج از این تشکل و به‌تنهایی در طول این سال‌ها نداشتند. مرجعیت که بر رأس گفتمان شیعی عمل می‌کرد نسبت به برکناری نظام قدرت گفتمان بعث اعتراضی نکرد؛ لیکن از آن‌ها خواست به‌زودی و پس از ثبات امنیت از عراق خارج شوند.

همچنین در نوشتن قانون اساسی به دست عراقی‌ها از راه‌های گوناگون از جمله سازمان ملل فشار آورد (لاری، ۲۰۱۱: ۱۲۲)، فتوای رأی مردمی به قانون اساسی و دموکراسی از طریق قانون اساسی اعلام کرد (بغدادی، ۲۰۰۶: ۱۰۹)، فتوای تحریم جنگ‌های مذهبی بخصوص بعد از انفجار قبه عسکریین (النوری، ۲۰۱۴: ۱۷۹) بیانیه عدم ورود روحانیت به حوزه اجرایی حکومت، فتوای جهاد کفائی در قبال داعش را صادر کردند (الخفاف، ۲۰۱۳: ۴۰۴-۴۰۷) و مدیریت راهپیمایی‌های مردمی پس از ۲۰۱۹م.

حزب الدعوه اسلامی که از سال ۱۹۵۷ تشکیل شد یکی دیگر از کنش‌گران مهم این دوره بود که حکومت عراق از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸م به نخست‌وزیری این حزب بود و از گفتمان مقاومت به گفتمان قدرت رسید. کنش‌گری این حزب بعد از ۲۰۰۳م منحصر در مدیریت قدرت بود. از دیگر کنش‌گران گفتمان شیعی مجلس اعلای اسلامی است که در سال ۱۹۸۲ تأسیس و به رهبری محمدباقر حکیم بود. این حزب از کنش‌گران فعال سیاسی گفتمان شیعی پس از ۲۰۰۳ در قدرت بود. جریان صدری به رهبری مقتدی صدر پس از ۲۰۰۳ تشکیل شد که امتداد حرکت سیاسی پدر مقتدی صدر یعنی محمدصادق صدر بود و این جریان در دو فاز با قدرت تعامل کرد. اول مقاومت در برابر اشغال امریکا و بعد از ۲۰۰۹م مشارکت در گفتمان قدرت.

اما بعد از فتوای جهاد کفائی مرجعیت نجف اشرف و پیروزی نیروهای ذیل تشکیل جدید حشد الشعبی بین ۲۰۱۴م الی ۲۰۱۸م احزاب سیاسی مختلفی پا به عرصه سیاسی عراق گذاشتند و هدف آن‌ها تأثیر بر هژمونی نولیبرالیسم از راه مشارکت در قدرت بود که امر مشارکت در قدرت از سال ۲۰۱۸م و در اولین انتخابات پس از ۲۰۱۸م تحقیق یافت این احزاب تحت ائتلاف فتح در انتخابات شرکت کردند که مهم‌ترین آن‌ها عصائب اهل حق، سازمان بدر و تقریباً ۷۰ تشکل دیگر است. از دیگر نیروهایی که به عرصه سیاسی و در مقاومت و گفتمان حاکم پا به صحنه سیاسی عراق گذاشت نیروهایی بود که پس از راهپیمایی‌های مردمی معروف به نیروهای تشرین است که از سال ۲۰۱۹ شروع شد که مهم‌ترین آن‌ها حرکت امتداد، البیت الوطنی، اشراقه کانون است.

در نهایت با وجود کنش‌های متفاوت چه در چارچوب گفتمان مقاومت و چه در چارچوب گفتمان قدرت، عدم اعتقاد این گفتمان بر کار و نفوذ بر روی نظامیان و ارتش بود. البته ناگفته نماند که به دلیل اکثریت عددی این گفتمان در کشور عراق تأثیرات متفاوتی بر کنش و فعالیت

نیروهای نظامی و امنیتی داشت. این امر پس از ورود نیروهای تروریست داعش در سال ۲۰۱۴م به عراق تبدیل به تأسیس نیروهای حشد الشعبی شد و در نهایت این گفتمان دارای نیروهای نظامی رسمی به‌غیر از وزارت‌های امنیتی شد.

غیریت‌سازی شکننده با نولیبرالیسم در عراق

نولیبرالیسم در وهله‌ی نخست نظریه‌ای در مورد شیوه‌هایی در اقتصاد سیاسی است که بر اساس آن‌ها با گشودن راه برای تحقق آزادی‌هایی کارآفرینانه و مهارت‌های فردی در چهار چوبی نهادی که ویژگی آن حقوق مالکیت خصوصی قدرتمند، بازارهای آزاد و تجارت آزاد است، می‌توان رفاه و بهروزی انسان را افزایش داد (هاروی، ۱۳۸۶: ۸). "ذات و جوهر اساسی نولیبرالیسم به‌طور کامل عبارت است از تبعیت از ارزش‌های اقتصاد بازار و همچنین وجود یک جامعه بازار محور" (Coburn 2000: 138).

برنامه‌ها و سیاست‌های نولیبرالی موسوم به "تعدیل ساختاری" ریشه در سیاست‌های ترویجی "اجماع واشنگتن" دارد که تحت همین نام پس از جنگ یا اشغال عراق بعد از ۲۰۰۳ به جدیت دنبال شد. بررسی تحولات چهار دهه گذشته نشان می‌دهد که در اغلب کشورهای کم توسعه‌ی اجراکننده‌ی این برنامه‌ها، یک دولت سرکوب‌گر که با ایجاد فضای امنیتی خفقان و ارباب، آثار اجتماعی و شوک ناشی از اجرای برنامه‌های اجماع واشنگتن را کنترل می‌کند از لوازم اجرای این برنامه‌ها بود.

سیاست تعدیل ساختاری فعلی در عراق تحت عنوان اصلاحات اقتصادی تقریباً مشابه تمام تجربیاتی است که در بسیاری از کشورها اتفاق رخ داده است. آمریکا از طریق حاکم مدنی خود در عراق، سیاست اقتصادی را به نفع اقتصاد آزاد یا بازار تحمیل کرد. تحت اشغال به بهانه‌ی بدهی بزرگی که اقتصاد عراق در نتیجه سیاست‌های قبلی به ارث برده است، سعی بر ترسیم ویژگی‌های این سیستم اقتصادی که بر واقعیت اقتصاد عراق اثر مخرب داشت نمود. فقدان یک پروژه توسعه واقعی و بازسازی در مفهوم مهندسی آن، عاری از هرگونه پیامدهای مثبت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بود.

پل برمر، با کدگذاری در قانون بنیادهای اقتصادی عراق پس از حمله^۱ CPA موفق شد

1. The Coalition Provisional Authority

روابط طبقاتی درگیر در این بنیادها را در پشت یک نمای حقوقی پنهان کند؛ که این قوانین تأثیرات اقتصادی مشخصی بر عراق گذاشت، از جمله اینکه چه کسی باید سود ببرد و چه کسی باید ضرر کند؛ از طریق ایدئولوژیک و شعارهای توسعه، اصلاحات و ادغام جهانی پوشانده شده است. یک چارچوب نولیبرالی بنیان نهادهای دولتی، وزارتخانه‌ها و سیاست‌های کلیدی است که به‌عنوان ستون فقرات دولت عمل می‌کند. در مقدمه CPA دستور ۵۱، برمر اظهار داشت: ”مصمم است با تشویق تجارت و رقابت آزاد شرایطی را برای توسعه اقتصاد بازار آزاد ایجاد کند.“ اکونومیست، در ارزیابی خود کاملاً صریح نوشت:

یک برنامه شوک از اصلاحات اقتصادی نشان‌دهنده انحرافی رادیکال در عراق است (Economist sep 27th, 2003). قوانین برمر یک برنامه شوک از اصلاحات اقتصادی را تشکیل می‌دهد که پایه‌های قانونی برای دولت جدید عراق را ایجاد می‌کند. اجرای فوری، به جای یک روند طولانی مدت ادغام جهانی، به‌طور مؤثر مانند یک اسلحه بی‌حس‌کننده برای آوردن آنچه از پایه‌های قانونی برای دولت جدید عراق باقی مانده بود عمل کرد تا اقتصاد سوسیالیستی بعضی قبل از حمله به عراق را به بن‌بست رساند. در میان ۱۰۰ دستور برمر، موارد ذکرشده عبارت‌اند از: تجارت آزاد؛ خصوصی‌سازی و مقررات زدایی اعمال حق ثبت اختراع، سیاست‌های نشان تجاری و سایر رژیم‌های ”مالکیت معنوی“ (جدول ۱). گشودن عراق به نفوذ نهادهای مالی بین‌المللی از جمله بانک جهانی (WB)، برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) و صندوق بین‌المللی پول، گشودن بازارهای عراق به سمت سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد بازارهای مالی در عراق است.

ساختار اجتماعی گفتمان شیعی بعد از ۲۰۰۳م

مرجعیت شیعی چشم‌انداز مناسبی نسبت به حقیقت اشتغال آمریکایی داشت و آن را ارائه کرد، ولی از طرفی غفلت و بی‌توجهی دیگر کنش‌گران سیاسی اجتماعی این گفتمان‌ها و از طرفی بهره‌وری شخصی آن‌ها به‌عنوان یک طبقه منتفع از سیاست‌های مصرف‌گرایی نولیبرال و بازارهای آن در عراق باعث شد آن چشم‌انداز قابلیت اجرا شدن و ثمربخشی نداشته باشد؛ بنابراین با رویکردی جامعه‌محور، گفتمان شیعی بعد از ۲۰۰۳م به دو قسمت طبقه حاکم و جامعه تبدیل شده است.

۱. مرجعیت نماد اصلی و محرک جامعه بوده و تا به حال این امر ادامه دارد (مؤثرترین

نهاد این گفتمان است)؛ مرجعیت بحران اصلی عراق بعد از سال ۲۰۰۳ م را عدم تشکیل دولت مدنی که همان هدف جامعه است، می‌داند، بحرانی که در شعارهای راهپیمایی‌ها و اعتراضات مردمی از سال ۲۰۱۱ م الی ۲۰۱۹ م نمود پیدا کرد و علل و عوامل بحران نرسیدن به دولت مدنی را فرهنگ، تنوع قومی مذهبی، وجود اشغالگران، محیط غیر مناسب عراق و فساد مالی و اداری طبقه حاکم می‌داند.

تثبیت قانون اساسی توسط مرجعیت: حکومت را فقط از طریق انتخابات بر روی کار آمده باشد، مدنظر قرار داد. به عبارتی دیگر؛ بر قاعده‌ی ولایت امت بر خود، تأکید دارد و معتقد است حکومت باید در همه‌ی اجزای آن، از ابتدای تأسیس و از همه‌ی جهات، مبتنی بر انتخابات باشد و مشروعیت خود را، یا به صورت مستقیم و از طریق انتخابات و همه‌پرسی در مورد نوع نظام سیاسی حکومت، دین حکومت و قانون اساسی و یا به صورت غیرمستقیم و از طریق انتخاب نمایندگان خود در قوای مقننه، مجریه و قضاییه و حکومت محلی برای تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری، این نوع ولایت را که همان دموکراسی است به اجرا بگذارد (الخفاف، ۲۰۱۱: ۲۵۷-۲۷۸).

مرجعیت نجف اشرف با آگاهی از این که سرزمین عراق از لحاظ تنوع جمعیتی و گسست‌های فعال و متراکم قومی - فرقه‌ای و مذهبی - ایدئولوژیکی دارای شرایطی کم‌نظیر در بین کشورهای عربی اسلامی است، تلاش کرد در حد توان، مانع از ایجاد هرگونه فتنه یا درگیری در میان گروه‌های قومی مذهبی عراق شود. مرجعیت بعد از سال ۲۰۰۳ م با استفاده از همان روش‌های گفتمانی شیعه و صدور بیانیه و فتوی و اعلام نظرات خود در خطبه‌های نماز جمعه جلو اختلافات را بگیرد (همان: ۳۲۳-۳۳۳).

یکی دیگر از موضع‌گیری‌های مهم مرجعیت (که بعد از نزدیک به صدسال دوباره تکرار می‌شد) **فتوای جهاد کفائی** آیت‌الله سیستانی بود. بعد از سقوط موصل به دست داعش و خیانت‌ها و توطئه‌هایی که صورت گرفته بود در تاریخ ۱۳/۶/۲۰۱۴ م مطابق با ۱۴ شعبان سال ۱۴۳۵ ق در خطبه‌های نماز جمعه در صحن امام حسین (ع) به‌وسیله‌ی وکیل او یعنی شیخ عبدالمهدی کربلایی این فتوا به مردم عراق ابلاغ شد. فتوایی که بعد از نه ماه جنگ علیه داعش در صحرای انبار و بعد از انتخابات و هم‌چنین اعلان تأسیس بسیج مردمی از طرف نوری مالکی نخست‌وزیر وقت عراق صادر شده بود (همان: ۴۰۲-۴۰۷).

بسیج مردمی عراق (حشد شعبی) بخشی از نیروهای مبارز عراق گفته می‌شود که از

سال ۲۰۱۴ با هدف مبارزه علیه داعش با تلاش‌های ابومهدی مهندس و سردار قاسم سلیمانی و سید حسن نصرالله سازمان‌دهی شدند. این نیرو از حدود ۷۰ گروه مختلف تشکیل شده که عمدتاً گروه‌های مسلح شیعه هستند و خرده‌گفتمان ولایت فقیه در عراق به‌وسیله حشد رسمیت پیدا کرد و جایگاه خود را در نهادهای حقوقی و قانونی و رسمی تثبیت کرد.

۲. دومین بخش تشکیل‌دهنده گفتمان شیعی یعنی کنش‌گران طبقه حاکم که عبارت‌اند از: حزب الدعوه اسلامی، مجلس‌اعلای اسلامی و تیار صدری، چالش تاریخی فرهنگی را در ضدیت با گفتمان سنی تعریف می‌کنند به عبارت دیگر رسیدن گفتمان مقاومت (شیعه) به رأس حکومت در عراق بعد از قرن‌ها و شکست شدن قدرت هژمونی در مقابل نفوذ شیعه به مناصب بالا و توسعه‌ی آن‌ها در منطقه که زمینه مناسبی را برای به وجود آمدن بازارهایی برای شرکت‌های فراملی سلاح و امنیتی و همچنین خدمات اطلاعات به وجود آورد و مهم‌ترین چالش را مدیریت نزاع، فقدان چشم‌انداز، برنامه‌ریزی و مدیریت ناهمگون را به‌عنوان بحران مرکب می‌دانند که این بحران مرکب از عدم اعتماد، بی‌کاری و برآورده نکردن نیازهای اقتصادی و امنیتی را به وجود آورد و زمینه را برای مداخله‌جویی همسایگان و نیروهای جهانی و منطقه‌ای ایجاد کرد، هم‌چنین فرهنگ سیاسی عشیره‌ای و نامنجم عراق که باعث مداخله‌جویی همسایگان از مرزهای سیاسی شد.

نتیجه‌گیری

گفتمان شیعی اولین و تأثیرگذارترین گفتمان در عرصه سیاسی صدسال اخیر عراق است که به شش دوره کنش‌گری جامعه‌شناختی با شش دال مرکزی متفاوت تقسیم می‌شود: مقاومت در برابر اشغالگری؛ مقاومت در برابر کنترل غیرمستقیم بریتانیا؛ مبارزه فکری در مقابل جریان‌های فکری جهانی (لیبرالیسم - کمونیسم)؛ مقاومت در برابر گفتمان بعث و رادیکال شدن گفتمان شیعی؛ حفظ هسته اصلی تشیع؛ تثبیت گفتمان شیعی به‌عنوان گفتمان قدرت یا سلطه که حول محور مرجعیت با دال‌هایی هم‌چون فقه سیاسی اسلامی (شیعی) پاسخگو در سه سطح اجتماعی سیاسی و اقتصادی، جهاد، اصلاحات، انقلاب، مطالبه‌گری، حمایت از مظلوم (گفتمان کرد)، کنش‌های سیاسی در محیط داخلی و خارجی مفصل‌بندی می‌شود. اجزای اصلی گفتمان سیاسی شیعی را این‌گونه می‌توان برشمرد:

– دال مرکزی یا دال برتر در هر دوره متفاوت است:

- دوره اول جامعه‌شناختی، مقاومت در برابر اشغالگری ۱۹۱۴-۱۹۲۱.
 - دوره دوم جامعه‌شناختی، مقاومت در برابر کنترل غیرمستقیم بریتانیا ۱۹۲۱-۱۹۴۲.
 - دوره سوم جامعه‌شناختی، مبارزه فکری در مقابل جریان‌های فکری جهانی (لیبرالیسم - کمونیسم) ۱۹۴۲-۱۹۶۷.
 - دوره چهارم جامعه‌شناختی ۱۹۶۸-۱۹۹۱ م، مقاومت در برابر گفتمان بعث و رادیکال شدن گفتمان شیعی
 - دوره پنجم جامعه‌شناختی، حفظ هسته اصلی تشیع ۱۹۹۱-۲۰۰۳.
 - دوره ششم جامعه‌شناختی، تثبیت گفتمان شیعی به‌عنوان گفتمان قدرت یا سلطه ۲۰۰۳-۲۰۲۱ م.
- مفصل‌بندی: فقه سیاسی اسلامی (شیعی) به‌عنوان دانشی پاسخگو در سه سطح اجتماعی سیاسی و اقتصادی، جهاد، اصلاحات، انقلاب، مطالبه‌گری، حمایت از مظلوم (گفتمان کرد)، کنش‌های سیاسی در محیط داخلی و خارجی، مبارزات مسلح و فکری.
- عنصر و وقته: مراجع عظام شیعی به‌عنوان حاکم شرع و علمای فقه شیعی، تشکیل سازمان‌های شیعی در جهت رسیدن به اهداف در سطح سیاسی و اجتماعی، اعتقاد به کنش‌گری فرهنگی و سیاسی در جامعه، جوانان و تحصیل‌کردگان به‌عنوان گروه هدف، عدالت اجتماعی، تثبیت قدرت شیعی بعد ۲۰۰۳.
- حوزه گفتمان‌گونگی: عدم اعتقاد به نفوذ در نیروهای نظامی در دوره‌های قبل از ۲۰۰۳ م و عزل تمامی نیروهای وابسته به حکومت بعث سابق بعد از ۲۰۰۳ م.

منابع

- ابراہیم، فؤاد (۱۹۸۷م)، الفقیہ والدولہ الفکر السیاسی الشیعی، چاپ اول، دار الکنوز الأدبیہ، بیروت.
- آل فرعون، المزہر (۱۹۷۴م)، الحقائق الناصعہ فی الثورہ العراقیہ سنہ ۱۹۲۰م، چاپ اول، بغداد، مطبعہ النجاج.
- آل مہنا، علی عیسیٰ (۲۰۰۷م)، منعطف القرار الفضلی بین العراقیین، چاپ اول، نشر دار المحجہ البیضاء بیروت.
- البصیر، فیلیب ویلارد (۱۹۴۹م)، العراق، بیروت.
- بصیر، محمد مہدی (۱۹۲۴م)، تاریخ القضیہ العراقیہ، چاپ اول، مطبعہ الفلاح، بغداد.
- بغدادی، سامی (۲۰۰۶م)، مبادئ الدولہ والقیادہ لدی مراجع الحوزہ العلمیہ، چاپ اول، نشر البینہ، نجف.
- جمیل، حسین (۱۹۸۷م)، شہادہ سیاسیہ، دار اللام، چاپ اول، لندن.
- الحسنی، عبد الرزاق (۱۹۴۸م)، تاریخ العراق السیاسی الحدیث، چاپ اول، مطبعہ العرفان، بغداد.
- الحسینی، احمد (۱۳۸۶ش)، الامام الثائر، چاپ اول، مطبعہ الاداب فی النجف الاشرف، النجف.
- الخاقانی، علی (۱۹۵۴م)، شعراء الغری، چاپ اول، مطبعہ النجف، النجف.
- خرمشاد، محمدباقر و احمد نادری (۱۳۹۰ش)، ”نقش حزب الدعویہ الاسلامیہ در گفتمان مقاومت جنبش شیعی عراق“، فصلنامہ شیعیہ شناسی، قم، شیعیہ شناسی، ش ۳۳.
- الخطیب، ابن النجف (۱۹۸۱م)، تاریخ الحرکۃ الاسلامیہ المعاصرہ فی العراق، دار المقدسی، چاپ اول، بیروت.
- الخفاف، حامد (۲۰۰۴م)، الرحلہ العلاجیہ، چاپ سوم، نشر دار المورخ العربی، چاپ اول، بیروت.
- الخفاف، حامد (۲۰۱۱م)، النصوص الصادرہ، چاپ ہفتم، دار المورخ العربی، چاپ اول، بیروت.
- خیون، رشید (۲۰۱۳م)، ۱۰۰ عام من الاسلام السیاسی بالعراق الشیعیہ، چاپ اول، نشر مرکز المسبار للدراسات و البحوث، دبئی.
- خیون، رشید (۲۰۱۳م)، لاهوت السیاسہ الاحزاب والحركات الدینیہ فی العراق، چاپ اول، نشر دار النیبور، بغداد.
- خیون، رشید (۲۰۱۳م)، ۱۰۰ عام من الاسلام السیاسی بالعراق الشیعیہ، نشر مرکز المسبار للدراسات و البحوث، دبئی، امارات متحدہ عربی.
- دیب، کمال (۲۰۱۳م)، موجز تاریخ العراق، نشر دار الفارابی، چاپ اول، بیروت.

- الرهیمی، عبد الحلیم (۱۹۸۸م)، تاریخ الحركه الاسلاميه فی العراق، چاپ دوم، نشر دار الينبوع، بیروت.
- زبیدی حسن لطیف (۲۰۰۷م)، موسوعه الاحزاب العراقيه، مؤسسه العارف للمطبوعات، بیروت.
- سلطانی، اصغر (۱۳۸۷ش)، قدرت، گفتمان و زبان، چاپ اول، نشر نی، تهران.
- الشامی، حسین برکه (۱۹۹۹م)، المرجعیه الدینیّه من الذات الی الموسسه، چاپ اول، مطبعه الصدر مؤسسه دار السلام.
- شبر، حسن (۲۰۱۰م)، العمل الحزبی فی العراق ۱۹۰۰-۱۹۵۷م، چاپ اول، نشر باقیات، قم.
- صفاء الدین تبرائیان (۱۳۹۱ش)، انتفاضه شعبانیه حماسه مقاومت اسلامی ملت عراق، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران.
- العمر، فاروق (۱۹۷۴م)، صالح ومذاکرات المجلس التأسیسی، چاپ اول، دار الدعوه للطبع والنشر والتوزیع، مصر.
- فائق، عبدالکریم (۲۰۰۱م)، سیره قائد و تاریخ مرحله (عبدالصاحب دخیل)، چاپ اول، نشر دار العارف للمطبوعات، بیروت.
- الفیاض، عبد الله (۱۹۷۴م)، الثوره العراقيه الکبری، چاپ اول، مطبعه الإرشاد، بغداد.
- کبه، محمد مهدی (۱۹۶۵م)، فی صمیم الاحداث، چاپ اول، منشورات دار الطلیعه، بیروت.
- مجموعه پژوهشگران (۲۰۱۰م)، صدمه التاريخ: العراق من حکم السلطه الی حکم المعارضه، چاپ اول، دار روافد، قاهره.
- محمد محمد الحیدری (۲۰۱۶م)، تاریخ العراق السیاسی المعاصر ۱۹۸۸-۱۹۷۹، چاپ اول، مرکز العراقی للمعلومات والدراسات، بیروت.
- المؤمن، علی (۲۰۰۴م)، سنوات الجمر، چاپ سوم، مرکز الاسلامد المعاصر للنشر والتوزیع، بیروت.
- نظمی، ومیض جمال عمر (۱۹۸۵م)، الجذور السیاسیه والفکریه والاجتماعیه للحركه القومیه العربیه الاستقلالیه فی العراق، چاپ دوم، مرکز دراسات الوحده العربیه، بغداد.
- النفیسی، عبدالله (۲۰۱۱م)، دور الشیعه فی تطور العراق السیاسی الحدیث، چاپ اول، آفاق للنشر والتوزیع، الكويت.
- النوری، محمد جعفر (۲۰۱۴م)، دور الحوزه العلمیه فی وحده الامه الاسلامیه، چاپ اول، نشر دار الهدی، نجف اشرف.
- الوردی، علی (۱۹۹۲م)، لمحات اجتماعیه من تاریخ العراق الحدیث، دار الوراق للنشر، ۵ جلد، چاپ دوم، لندن.

- الوهاب، عبد الرزاق (۱۹۳۵م)، كربلاء فی التاريخ، چاپ اول، مطبعه الشعب، بغداد.
- ویلی، جوئیس ان (۱۳۷۳ش)، نهضت اسلامی شیعیان عراق، ترجمه مهوش غلامی، چاپ اول، اطلاعات، تهران.
- Jorgensen, M & Phillips, L. (2002). Discourse Analysis as Theory and Method. London: Sage Publications.
- CPA <https://govinfo.library.unt.edu/cpa-iraq/regulations/>